

تاج آواز ایران

یادی از استاد جلال الدین تاج اصفهانی، استاد آواز سنتی ایرانی که ۴۲سال پیش در چنین روزی از دنیا رفت



آزاده چشمه سنگی نویسنده

۹ساله بود و تا آن روز جز در مدرسه برای قرائت قرآن و اذان. دیگر کسی جلوه ای متفاوت از قوت حنجره اش را نشنیده بود. بر حسب اتفاق بود یا تقدیر که وقتی وارد خانه شد و داشت زیرلب آوازی زمزمه می کرد، پدرش دریافت جلال کوچک خانه اش، نهال نازک جوانی است که اگر به درستی مراقبت و هدایت شود، می تواند در آینده ای نزدیک به یکی از تمریخش ترین شخصیت های هنر این مرز و بوم تبدیل شود. شفقت پدر بود که به درستی جلال را در همان ایام برای فراگیری ردیف ها و دستگاه های

را به مقصد جنوب ایران ترک کرد و مدتی را نیز در شمال ایران زندگی کرد، اما پس از آن به زادگاه تاریخی خود، اصفهان برگشت و باقی عمر را برای خلق آثار نو در این شهر باقی ماند. در این بین سال ۱۳۰۰ با سفر به تهران و آشنایی با علی اکبر شهنازی (نوازنده تار)، شروع به ضبط صفحاتی کرد که شمار این صفحات تا پایان عمر هنری او، به ۴۲ صفحه



نوای جلال الدین تاج اصفهانی در حضور امام موسی صدر

جلال الدین تاج اصفهانی در سفری به سوریه با امام موسی صدر دیدار می کند و در همان دیدار به درخواست امام موسی صدر چند دقیقه ای آواز می خواند. تاج اصفهانی یک آواز افشار در گوشه عراق متکی بر غزلی از سعدی می خواند، ندانمت به حقیقت که در جهان به که مانی جهان و هر چه در او هست صورت اند و تو جانی.... خواهرزاده امام صدر که در آن دیدار حضور داشته، با ضبط کوچکی این آواز را ثبت می کند.

آشپشال*

شیطان به چند واسطه شاگردی تو کرد...



شاعر و نویسنده حامد عسکری

حیا ط وضو بسازم نماز بخوانم معصیت خدا نکنم. زوجه میز جعفر، کشور خانم هم که می بیند این زن این گونه بیم معصیت دارد تعارفش می کند توی اتاق مهمان و سجاده می اندازد و می گوید بفرا میاید تو، تا زن نمازش را بخواند لیوان شربت زعفران و سکنجبینی هم تیار می کند که زن نمازگزار بچکاند به حلقش.

تو نگو در نبود زوجه میز جعفر، زن یک اسکناس صدجوقی می گذارد لای قرآن در طاقچه اتاق مهمان خانه و بعدش هم شربت می نوشد و کلی تشکر می رود. سه ماه بعد، وائنتی در خانه میز جعفر توقف کرده دق الباب می کند، صبیحه میز جعفر در را باز می کند و راننده می گوید از طرف میز جعفر آقا آمده ایم فرش ببریم. دختر میز را می گوید اجازه بدهید به مادر بگویم. مجدد زوجه میز جعفر می آیند دم در و جویای احوالات می شوند. مرد راننده می گوید از سمت

تصدقت کردم نقره خانم می گویم این بشر دو پا هم چه حقه ها بلد است سرهم کند و ببافد و ببفتد به جان مال و دارایی هم نوع و هم سایه. حقیقتا چیزهایی می شنویم و در کاغذ اخبار می خوانیم که برگ و بار به آدمی نمی ماند و ابلیس اعظم باید بیاید جفت لنگ دو زانو بزند در محضر این اساتید و حالا حالا ها چیز بیاموزد. نمونه اش همین میز جعفر فراش باشی رفیق قدیمی ام، پربروز بلایی سرش آمده که برایتان بگویم از تعجب شاخ هاتان و رمی قلمبد. شش ماه پیش زیر بازارچه، منزل میز جعفر را خانم غریبه ای دق الباب می کند، زوجه میز جعفر در را باز می کند و می بیند عاقله زنی هراسان و بیمناکا پر هول و ولادار جزمی زند. می پرسد چه شده خانم جان؟ می گوید: دستم به دامنات نمازم دار قضای می شود، رفتم مسجد مبال زنانه نداشته وضو بگیرم، یک سجاده بدهید همینجا توی

چکامه

آنان که محیط فضل و آداب شدند..... در جمع کمال شمع اصحاب شدند
و ه زین شب تاریک نبردند بر و ن..... گفتند فسانه ای و در خواب شدند

رسید: «شاه خطائی در دستگاه نوا، آواز همایون» و «تصنیف مهر و گل» و «شکایت معشوق» از معروف ترین آن هاست. اما در سال ۱۳۰۶ بود که جلال الدین تاج اصفهانی در مقام خواننده بر روی صحنه کنسرت رفت و در برابر جمعی متشکل از نمایندگان مجلس و رجال مشهور دولتی و غیر دولتی، حاضر شد. در این کنسرت که روز جمعه، دوم تیر به مناسبت ششمین سالروز انتشار روزنامه فکاهی ناهید برگزار شده بود، جلال اصفهانی با نوازندگی مرتضی محجوبی، مرتضی نی داوود، حسین یاحقی و رضا روانبخش به اجرای قطعاتی پرداخت که در آن میان، از تصنیف «مرغ سحر» برای نخستین بار رونمایی شد. پس از این کنسرت بود که کاروان اجراهای او در شهرهای مختلف ایران به راه افتاد و نامش در میان مخاطبان موسیقی به نامی نیک و محبوب تبدیل شد.

تبریز (۱۳۰۷)، شیراز (۱۳۱۳)، کرمان (۱۳۱۶)، اراک (۱۳۱۹) و آبادان (۱۳۲۹)، از جمله شهرهایی بودند که مهبای میزبانی از صدا و هنر جلال الدین تاج اصفهانی شده بودند. کنسرت آبادان اما در میان دیگر کنسرت های او به شکل متفاوتی مورد توجه قرار گرفت زیرا تلاقی اجراها در یوحیه جنبش ملی شدن صنعت نفت و استفاده از اشعار انتقادی سیاسی، او را در معرض تذکرات مأموران دولتی و البته حمایت مردم و حامیان دکتر مصدق قرارداد. با افتتاح رادیو تهران، همکاری نزدیک او با این مجموعه آغاز شد به طوری که به مدت دو سال و نیم هر هفته از اصفهان به تهران حرکت می کرد تا برای ضبط در استودیو حاضر شود، اما بعد مسافت و دشواری راه، او را از ادامه همکاری بازداشت و پس از آن با افتتاح رادیو اصفهان در سال ۱۳۲۸، در شهر

دست نوشته مرحوم تاج اصفهانی

هنرمند شمعی است افروخته که تا چشم بر هم زنی سوخته بسوزد بگیرد بکاغد روان که روشن کند محفل دیگران نصیب هنرمند جزاه نیست ز سوز درونش کس آگاه نیست

محمد صادق تهمینی

ایشان می فرمایند خودتان نشانه فرستادید، فرش ها را فرستادم آوردند حجره! میرزا می گوید من غلط کردم همچنین کاری کردم که فرش زیر پایم را بفروشم و خلاصه فرش های رود به باد فنا. غرض اینکه نقره خانم خیلی حواستان باشد به جلالت ها و دسایس، خداوند رحمان خودش آدم های ناتو را سر راهمان قرار ندهد وگرنه که ما خودمان عقل و هوش درست و حسابی نداریم، خدا لعنت کند هرآنکه دین و نماز و آیین را بهانه دزدی و کلاهبرداری می کند و بر سر بندگان خدا شیوه می مالد. نامه به دارا اکشید، کلی حرف داشتیم، حالا همین یکی دو روز مجدد کاغذ می فرستم عرضی دارم، برقرار باشید خانم جان.

به قلم میزرا ابراهیم خان شکسته نویسی
*به لجه مردم کویریم، به سبزه روییده بر دوفروش جوی آب می گویند

گفتند فسانه ای و در خواب شدند

خیام



● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی

● سال پانزدهم

● صاحب امتیاز: شهرداری مشهد

● آذر ۱۳۴۰

● مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر

● شماره ۲۱۰۰

● شماره پیماک: ۳۰۰۷۲۸۹

● به اطلاع مخاطبان محترم روزنامه شهرآرا می رساند، این موسسه اعلام خواهد شد.

● سید سجاد طلوع هاشمی

● نشانی: خیابان کوهسنگی

● ابتدای کوهسنگی ۱۵

● Mashhadchehreh.ir

● Photoshahr.ir

● میثاق نامه اخلاق حرفه ای

دمای هوای مشهد

۳۸٪ رطوبت هوا

۱۸° ↓ ۷° ↑

صبح ۱۰°

ظهر ۱۷°

عصر ۱۴°

شب ۱۱°

- اذان ظهر ۱۱:۲۱:۳۷ نیمه شب شرعی ۲۲:۳۶:۴۲
- غروب آفتاب ۱۶:۱۶:۲۵ اذان صبح فردا ۰۴:۵۶:۵۹
- اذان مغرب ۱۶:۳۶:۳۸ طلوع آفتاب فردا ۰۶:۲۶:۴۹

کارتون شهر



در حاشیه افزایش جهانی قیمت طلا

رضا جنگی

شوخی بی شوخی

درخت بیشتر، کلاس آنلاین کمتر!

● دانش آموز کلاس دوم، ولی خوبه درخت تو مدرسه بکارید، دیگه لازم نیست از خونه، میوه ببریم، یک نفر قلاب می گیره، از درخت های تو حیاط مدرسه میوه می کنیم.

● دانش آموز کلاس سوم، حالا درسته جا کمه، وقتی درخت کاری هاتون تموم شد، چند تا گاو شیرده هم بیارین، آخه شیر مدارس هنوز توزیع نشده، این طوری بابت شیر مدارس خاطر مون جمعه.

● دانش آموز کلاس چهارم، اگه زنگ ورزش تویمون افتاد بالای درخت، باید چه کار کنیم؟

● دانش آموز کلاس پنجم، من که میگم اگه تو مدرسه ها درخت کاشته بشه، ما هم می تونیم روی درخت ها، خونه درختی بسازیم و از همون خونه درختی ها به عنوان کلاس استفاده کنیم.

● دانش آموز کلاس ششم، متأسفانه درخت هافقط میوه میدن، کاش یک درختی بود می شد پاسخ سوالات امتحانات روازش بچینیم.

● دانش آموز کلاس هفتم، حالا درسته که حیاط مدرسه کوچیکه و خودمون هم به زور جایی شیم، ولی عیب نداره، مهربون تری شینیم درخت ها هم جا بشن.

● دانش آموز کلاس هشتم، فقط بگم من خیلی رو حفظ درخت ها حساسم، فقط ببینم یک نفر شاخه از درخت کنده باشه، منم یک شاخه خیلی بزرگ تراز درخت می کنم، تا تبیهش کنم.

● دانش آموز کلاس هشتم، حالا دیگه غیر از اینکه بگیم آقا اجازه، بریم آب بخوریم و آقا اجازه بریم دست شویی، می تونیم بگیم آقا اجازه، بریم درخت آب بدیم؟

عظیم زار

وزیر آموزش و پرورش گفت: اگر کاشت نهال را بیست سال پیش شروع کرده بودیم، امروز دیگر به خاطر آلودگی هوا مدارس غیر حضوری نبودند.

البته ما یک جست و جوی ساده اینترنتی کردیم و دیدیم درخت ها در خوش بینانه ترین حالت، فقط سه چهار درصد در کاهش آلودگی تأثیر دارند و این نکته ای است که مشاوران وزیر نمی دانستند و یادشان رفت به وزیر

بگویند. البته می شود تأثیر درختان را بیشتر هم بکنیم آن هم به شرطی که دقیقاً وسط تمام خیابان ها و کوچه ها آن قدر درخت بکاریم تا هیچ خودرو و موتور سیکلتی نتواند از جایش تکان بخورد و ورودی هر کارخانه هم این قدر درخت کاشته شود که کسی نتواند داخل کارخانه شود. فقط در همین حالت است که درخت کاشتن سهم زیادی در کاهش آلودگی هوا دارد. همچنین با آنکه سرانه فضای آموزشی برای هر دانش آموز حدود پنج متر مربع است در حالی که باید هشت و نیم متر مربع باشد وزیر آموزش و پرورش این را هم گفته است که در هر مدرسه، یک نهالستان ایجاد می شود. با هم واکنش دانش آموزان را به این خبر ببینیم:

● دانش آموز کلاس اول، من تازه او دمدم کلاس اول دارم خوندن نوشتن یاد می گیرم، خدا کنه زودتر درخت ها رو بکارین تا من بتونم رو تنه درخت ها یادگاری بنویسم.